



مهدی سلطانی‌راد ^آ مرد چای‌فروش در حالی که سید لیوان‌های یکبار مصرف و کتری‌اش را مثل همیشه آویزان دست‌های چپ و راستش کرده از تونل ورزشگاه آزادی خارج می‌شود و مغموم راه مینی‌بوس خط انقلاب– آزادی را می‌گیرد و لایه‌لای پرچم‌به‌دست‌های قرم‌پوشی که با عجله می‌خواهند به خانه برسند گم می‌شود. سال‌هاست که میهمان همیشگی صدهزار نفری است. کنارش می‌نشینم و سر حرف را باز می‌کنم. از کاسبی امروزش می‌پرسم و اینکه چقدر در آمد داشته. مینی‌بوس که می‌افتد سفره دلش باز می‌شود: «ای آقا! کاسبی؟ امروز بیشتر از ۲۵ تومن دستمو نگرفت! شانس آوردم پرسپولیسیا آبیای اهواز رو با هر جون کندنی بود بردن و الا هیچی دیگه! یادش بخیر پرسپولیسیا آبیای اهواز رو پنج‌تا تک‌تومن دست مردم می‌دادم و بازی شروع نشده ۵۰۰ تومن کلبم بودم. یادمه مهن ۱۰ سال پیش که حمید درخشان مربی بود و ناصر محمدخلی کمکش، واسه بازی‌ها کمتر از ۴۵ هزارتا نمی‌ومد. اون زمان همه چی خوب بود، گوش تا گوش پرسپولیس ستاره بود و تماشاکرا هم کیف می‌کردند و می‌اومدن استادیوم و کاسبی مامم به راه بود. ۳۰ سال قیلش رو که دیگه نگوا واسه پرسپولیس– انتظام ۷۰ هزارتا اومدن. جای نفس کشیدن نبود، بقیه بازیابا بالای ۸۰ هزارا تا تماشاکر می‌اومد، همون سالی که استقلال قهرمان شد و پرسپولیس دوم. بره کشونی بود برسا چای‌فروش‌ها و ساندویچ‌فروش‌ها، وقتی از قاسم درباره چرابی خلوتی استادیوم می‌پرسم انگار که داغ دلش تازه شده باشد می‌گوید: «ای بابا! توقع داری با این تیمشون تماشاکر بیاد؟ اونو توی این سختی اومدن به آزادی؟ اون‌زمان‌ها مردم به عشق پروین، فرشاد، ناصر و درخشان از سر ظهر می‌اومدن استادیوم و تا یک ساعت بعد از بازی دور آزادی ترافیک بود اما حالا… مردم به چی این تیم دلخوش خوش باشه که با هزار مکافات بلند شن و بیان ورزشگاه؟ هان؟ فوتبال دیدن انگیزه می‌خواد که یکی‌اش ستاره است، آره آقا! وقتی مردم از پای تلویزیون می‌بینن که اینها ۹۰ دقیقه زیر توپ می‌زنن و پشت ۱۸ دور خوششان می‌چرخن مگه آزار دارن که با هزار فلاکت بیان آزادی و برایشان هوار بزَن؟»

فوتبال بی ستاره نمی‌خوایم نمی‌خوایم!

اگر ورزشگاه آزادی را به‌عنوان نماد ویرین‌ترین امکانات سخت‌افزاری فوتبال ایران و درنظر بگیریم و به دنبال چرابی خلوت شدن سکوهايش در سال‌های اخیر باشیم بی‌شک باید سرخی‌هایی‌ها را در مظان اتهام قرار داد. بهره‌برداران پروهادر فوتبال ایران از ورزشگاه آزادی در فقیرترین سال‌های خود به لحاظ کُشاندن مردم به ورزشگاه به سر می‌پرند. از آخرین هفته‌هایی که پرسپولیس و استقلال به نسبت دارایی‌هایشان قادر به پرکردن جایگاه‌های منسوب به خود در ورزشگاه (حدقل در طبقه اول) بودند هفت سال می‌گذرد. در دوره هفتم لیگ برتر بر بود که سرخ‌های پرستاره که اسب خود را برای کسب قهرمانی دوم با افشین قطبی زین کرده بودند از همان هفته دوم شروع میزبانی در تهران موفق به کُشاندن طبقه هوادار خود به ورزشگاه شدند و این روال تا هفته پایانی منجر به قهرمانی‌شان که قطبیی از هفته اول قولش را داده بود حفظ شد. در همان فصل، استقلال با مربیگری مرحوم ناصر

مهر ۱۳۹۳ ۳۴ شماره ۱۵۰۰

حجازی اگرچه بازی‌های تماشاکرپسندی ارائه نمی‌داد اما حضور چهره کاریزماتیک و اسطوره آبی‌ها روی نیمکت و البته در میدان بودن امثال مجیدی و منصوریان و بعدها درخشش روانخواه باعث می‌شد تا اُمار ۳۵ هزار نفر در هفته به نام آبی‌ها ثبت شود. از لیگ هشتم به این سو آرام آرام از حجم حضور تماشاگران سرخابی در ورزشگاه آزادی کاسته شد، هر چند در لیگ هشتم حضور علی کریمی آنقدرها پرسروصدا و برای هواداران پرسپولیس شوق‌انگیز بود تا در بازی با راه‌آهن ۹۰ هزارتماشاگر روانه آزادی شود اما از نیمه‌های همین فصل به تدریج ۲۰ تا ۲۵ هزارنفر برای تماشای بازی‌های این تیم به ورزشگاه می‌رفتند. تماشای فوتبال از نزدیک انگیزه می‌خواهد و اشتیاق. در همه سال‌های دهه ۶۰ دو عامل وجود داشت که مردم را به ورزشگاه می‌کشاند. اولی ارائه بازی‌های زیبا و تماشاکرپسند که نتیجه حضور انبوهی از ستاره‌های ریز و درشت در استقلال و پرسپولیس بود و دومی عدم‌پخش تلویزیونی بازی‌های باشگاه‌های تهران بود که باعث می‌شد رقابت سرخابی‌ها با ضعیف‌ترین حریفانشان هم جمعیت انبوهی را به ورزشگاه‌های شیرودی و آزادی روانه کند؛ تماشاکری که در آن سال‌ها در نبود تفریحات امروزی همواره جمع‌هایش را در آزادی و شیرودی سر می‌کرد و مطمئن از حضور و درخشش امثال ناصر محمدخلی، حمید درخشان، عبدالعلی چنگیز، رضاحدی، جعفر مختاری‌فر، ضیا عربشاهی، غلام فتح‌آبادی،

کپ

مردم تشنه بازی جاندار و متعصبانه هستند

مرتضی فنونی زاده: زمان ما نیم ساعت قبل از بازی طبقه اول پر بود

مدافع کاپ و کرب و قلدر سال‌های ۶۴ تا ۷۱ پرسپولیس که باشماهره ۴سال‌ها در کنار محمد پنجعلی و کاظم سیدعلیخانی بازی می‌کرد کسی نیست جزم مرتضی فنونی زاده.بچه‌محل امیر قلعه‌نوعی و فرشاد پیوس و همبازی سابق این دو در راه‌آهن و شاهین درباره دلایل خالی شدن تدریجی سکوها از تماشاگران پرشور فوتبال جالبی دارد.

به نظر شما چرا آمار تماشاگران پرسپولیس و استقلال اینقدر کم شده؟

ببینید، مسلم است که مردم برای تماشای فوتبال ناب و زیبا به استادیوم می‌آیند. فوتبال و کلا ورزش را ستاره‌ها می‌چرخانند. اگر در میدان مسابقه بازیکن سرنوشت‌سازی که مردم به عشق دیدن حرکات او به استادیوم می‌آیند نباشد مسلم است که جز عده معدودی پای آن مسابقه نمی‌نشینند. مردم برزیل و آلمان اگر همین الان پله و یکن باوتر برگردند مشتاقانه به تماشای هنرنمایی آنها می‌نشینند. تماشاگران استقلال و پرسپولیس چون بازی خوب نمی‌بینند و نظاره‌گر بازی مشتی محتاط و حسابگر در میدان هستند رغبتی برای استادیوم رفتن ندارند.

زمان شما به‌رغم اینکه فوتبال حرفه‌ای نبود اما ورزشگاه‌ها همیشه مملو از تماشاگر بود…

به‌خاطر اینکه فوتبالبسته‌های زمان ما فوتبال را با عشق بازی می‌کردند. کم گذاشتن در میدان در ذات امثال محمدخلی و کارگر نبود. مردم هم تشنه بازی متعصبانه و جاندار بودند و هستند و آن زمان هم چون تفریح به‌خصوصی در جامعه نبود مردم از دیدن فوتبال لذت می‌بردند و همیشه استادیوم‌ها پر بود. این قضیه بدون استثنا بود. چه در مقابل حریفان قوی و چه ضعیف. ناصر همیشه خدا خدا می‌کرد که زودتر جمعه از راه برسد و برای پرسپولیس گل بزند. از طرفی چون اکثر فوتبالبست‌های دهه ۶۰ از جنس مردم عادی و طبقه زیر متوسط بودند کم گذاشتن و بازی معمولی در ذات‌شان نبود.



بررسی دلایل قهر تماشاگران باورز شگاه‌ها در لیگ برتر فوتبال ایران

فوتبال فارسی مقابل سکوهای خالی

تعدادی از نیمچه ستاره‌های سال‌های اخیر فوتبال ایران که پتانسیل کُشاندن مردم به ورزشگاه‌ها را داشتند در خلوتی سکوها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. فرشاد مجیدی تا زمانی که حتی نامش در لیست ۱۸ نفره استقلال خودنمایی می‌کرد سسینه چاکان هرچه به جلو آمد و به‌خصوص در طول سال‌های اخیر که نام لیگ حرفه‌ای بر خود گذاشت از ستاره‌سازی و روکردن چهره‌هایی که حتی به اندازه نصف سوپرستاره‌های دهه ۶۰ قابلیت داشته باشند عاجز ماند، چراکه وقتی پای دادن دستمزد‌های میلیاردی وسط آمد، کیفیت بخشیدن به فوتبالی که قرار است تماشاگر را به ورزشگاه بکشاند و به بازیکن انگیزه درخشش بدهد فراموش شد. امروز اگر حداکثر بیش از پنج تا ۱۰ هزار تماشاگر برای دیدن نمایش تیم‌هایی که ادعای داشتن ۳۰ میلیون هوادار دارند، به ورزشگاه نمی‌رود حتی اگر پای قهرمانی آنها در میان باشد بیش از هر عاملی باید به دنبال چگونگی اداره مکان‌هایی بود که بازیکنان امروزی از دل آن رشد کردند و به طرفه‌العینی توانستند لباس قرمز و آبی را بر تن خود ببینند! ستاره‌های فوتبال دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ کشف شده‌های امثال مددنوعی‌ها، عضدی‌ها و روئین‌دل‌هایی بودند که در زمین خاکی‌هایی که هیچگاه عنوان دهن پرکن مدرسه فوتبال بالای سرشان نبود القابی درست فوتبال را می‌موختند و با ممزوج کردن آن با ذات تکنیکی و غنای درونی‌شان تماشاگران تشنه بازی‌های زیبا و نفسگیر را راضی به خانه‌ها می‌فرستاند. بی‌گمان خداحافظی

فوتبال زبیا؟ اصرار نکندید

حتی شما دوست عزیز!

روزگاری نه‌چندان دور، یعنی همین ۲۵-۲۰ سال پیش که هنوز خیلی مانده بود تا پای مدیر برنامه و میکس زون و اصطلاحات مدرنی از این دستست به فوتبال ما باز شود در پرسپولیس و استقلال ستاره‌هایی هر هفته به مدت ۹۰ و چند دقیقه مردم را محو تماشای تکنیک‌های نابیشان می‌کردند که شاید شنیدن اینکه تا یک ساعت قبل از به میدان رفتن‌شان مشغول مسافر کشی با تاکسی و کاسبی با واُنت بار برای امرار معاش بودند دود از کله خیلی‌ها بلند کند. به قول ناصر محمدخلی تنها تفریح جوانان و میانسالان تهران جدا نشوند خیلی‌ها ماتم زده شدند. خیلی از همان‌هایی که صبح تا شب بسیاری از جمع‌هایشان در دهه ۵۰ و ۶۰ در زمین‌ها و امجدیه گذشته بود. این سال‌ها ما هرچه فوتبال اسما به سمت حرفه‌ای شدن رفت گویی مترادف بود با ترک‌تازی متوسط‌های زیر صفری که از فوتبال فقط زیادشدن تعداد صفرهای رقم قراردادشان را بلد بودند و به این ترتیب بود که وقتی مثلاً آن هوادار استقلال شنیده‌بش پای حرکات مسحورکننده کریس رونالدوی مولتی میلیاردر از صفحه تلویزیون می‌نستست و می‌دید که ستاره برتغالی چگونه برای پیروزی تیمش به آب و آتش می‌زند رغبتی برای رفتن به ورزشگاه و تماشای ۹۰ دقیقه زیر توپ زدن ستاره‌های کاغذی تیمش پیدا نمی‌کرد. آری تماشای فوتبال حضور ستاره می‌طلبد و البته هنرنمایی و ارائه بازی زیبا، یعنی همان ابزارهایی که چند سال پیش عرب‌ها را میخکوب حرکات علی کریمی در الاهلی امارات می‌کرد.

نمایش فوتبال با اعمال شاقه

تا همین چند وقت پیش دوربین ۹۰ عادل فردوسی‌پور فستیوالی بود از به نمایش گذاشتن هتگی صحنه‌هایی از سرویس‌دهی زیر صفر به مردمی که مثلاً در گرمای طاقت‌فرسای اهواز می‌خواهند ۹۰ دقیقه تماشاگر بازی تیم محبوبشان باشند. به نمایش گذاشتن عدم وجود آب آشامیدنی و سرویس‌های بهداشتی مناسب در بسیاری از ورزشگاه‌ها تبدیل به یکی از آیتیم‌های برطرف‌دار دوربین ۹۰ شد تا از این طریق هم بر جذابیت برنامه اضافه شود و هم راهکاری باشد برای قلقلک دادن مسئولانی که از تماشاگر را اسیراب از دیدن ۹۰ دقیقه فوتبال دادن سرویس مناسب به تماشاگرانی هستند که قرار است منبع درآمزشا باشند. در همین دوران ۹۰ بارها و بارها اخبار کشته شدن گاه و بیگاه تماشاگران در مسیر جاده‌های منتهی به برخی ورزشگاه‌ها نظیر فولادشهر فریاد زده شد اما کماکان خبری از افتتاح ورزشگاه نقش جهان بعد از گذشت ۲۰ سال از کلنگ‌زنی آن نیست که نیست. این در حالی است که روزبه‌روز از میل و اشتیاق هواداران فوتبال برای رفتن به استادیوم‌ها کاسته می‌شود و گویی اراده‌ای در این میان بر طبل این اتفاق می‌کوبد و اصرار می‌ورزد.

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۳ ۳ شماره ۱۵۰۰



مرتضی فنونی زاده

مرتضی مینایی ^آ نیمنا نکیسا زمانی یکی از ستاره‌های

فوتبال ایران بود. یک دروازه‌بان قدبلند و فتونژیک که درون دروازه تیم بزرگی مثل پرسپولیس ایستاد و بعد هم به تیم ملی رسید. در جام ملت‌های آسیا ۹۶ امارات هم حضور داشت و در بازی تیم‌های ملی فوتبال ایران و یوگسلاوی در جام جهانی ۹۸ فرانسه، درون دروازه تیم ملی ایران ایستاد. در روزهایی که ناکامی‌های بی‌دربی در فوتبال ایران، مردم‌رایی‌بشتر از هر زمان فوتبال زده کرده‌است، باو در باره عدم‌ظهور ستاره‌ها در فوتبال ایران گفت و گو کرده‌ایم. صحبت‌های او خواندنی و البته حاوی نکات جالبی است که می‌تواند توجه‌ها را به سمت خود جلب کند. خواندن این مصاحبه را از دست ندهید.

مدت‌هاست دیگر استقبال قابل توجهی از فوتبال باشگاهی در ایران نمی‌شود. بسیاری از کارشناسان یکی از توجیهات‌شان این است که دیگر ستاره‌ای در تیم‌ها وجود ندارد که مردم به عشق او به ورزشگاه‌ها بروند. شما این موارد را قبول دارید؟

قطعاً یکی از دلایل موجه برای نارضایتی مردم از فوتبال همین کمبود بازیکنانی است که به قول شما ستاره‌های فوتبال ایران هستند، البته مشکلاتی غیر از این هم هست و فقط معطوف به همین یک مورد نیست.

چرا این اتفاق افتاده و واقعا دیگر مثل گذشته ستاره‌ها در فوتبال ما ظهور نمی‌کنند؟

وقتی به فوتبال پایه اهمیت نمی‌دهیم و بازیکن‌سازی به‌طور اصولی انجام نمی‌شود عاقبتش می‌شود همین. در حال حاضر ستاره‌های فوتبال ایران افرادی هستند که با رقم‌های میلیاردی‌شان شناخته می‌شوند نه عملکرد و کیفیت‌شان. همین مبالغ کاذب در این اتفاق نقش داشته است. به جای این‌ها دادن به بازیکنان ارزشمند و آینده‌دار به یک عده بازیکن به‌ها می‌دهیم که توسط دلال‌ها مبلغ قراردادشان بی‌لابل بالا رفته است و در حال حاضر بازیکنان کمی در فوتبال ما باقی ماندند که بشود به آنها تفت ستاره البته تماشای ۹۰ دقیقه فوتبال ناب و زیبا از امثال محمدخلی، چنگیز، مظلویی، حجازی و پروین انگیزه‌ها را برای ماندن در خانه و تماشای بازی از جمع جادویی کشته بود. آن روزها البته خبری از داور خارجی نبود. حتی میهمانی‌های عجیب و غریب و مشمنزکننده قبل از داری‌ها که بسطاطش بعد از مدتی جمع شد هم وارد منوی این رقابت سنتی نشده بود. تنها رقابت بود و ارائه ۹۰ دقیقه فوتبال ناب و مسحورکننده و چنین بود که وقتی از سال ۷۱ تصمیم گرفتند استقلال و پرسپولیس برای همیشه فوتبال باشگاه‌های تهران جدا نشوند خیلی‌ها ماتم زده شدند. خیلی از همان‌هایی که صبح تا شب بسیاری از جمع‌هایشان در دهه ۵۰ و ۶۰ در زمین‌ها و امجدیه گذشته بود. این سال‌ها ما هرچه فوتبال اسما به سمت حرفه‌ای شدن رفت گویی مترادف بود با ترک‌تازی متوسط‌های زیر صفری که از فوتبال فقط زیادشدن تعداد صفرهای رقم قراردادشان را بلد بودند و به این ترتیب بود که وقتی مثلاً آن هوادار استقلال شنیده‌بش پای حرکات مسحورکننده کریس رونالدوی مولتی میلیاردر از صفحه تلویزیون می‌نستست و می‌دید که ستاره برتغالی چگونه برای پیروزی تیمش به آب و آتش می‌زند رغبتی برای رفتن به ورزشگاه و تماشای ۹۰ دقیقه زیر توپ زدن ستاره‌های کاغذی تیمش پیدا نمی‌کرد. آری تماشای فوتبال حضور ستاره می‌طلبد و البته هنرنمایی و ارائه بازی زیبا، یعنی همان ابزارهایی که چند سال پیش عرب‌ها را میخکوب حرکات علی کریمی در الاهلی امارات می‌کرد.

اماد در بسیاری از تیم‌های خارجی و حتی صاحب‌نام هم بازیکنانی وجود دارند که عملکرد و قیمت‌شان با سایر بازیکنان هم تیمی تفاوت محسوسی دارد.

بله مطمئناً این‌طور است اما شما به‌طور مثال به تیم بارسا نگاه کنید؛ اگر مسی و نیمار فوق ستاره‌های این تیم هستند در کنار آنها ژاوی، اینیستا و غیره هم حضور دارند که شاید فقط چند درجه از نظر تاثیرگذاری با این ستاره‌ها فاصله دارند اما در برخی از تیم‌های باشگاهی اگر یک بازیکن تاثیرگذار یا به اصطلاح ستاره دچار محرومیت و مصدومیت شود کل تیم به هم می‌ریزد و این به خاطر همان عدم پشتوانه‌سازی است.

این وسط چه کسی مقصر است؟ باشگاه‌ها یا فدراسیون فوتبال؟

وقتی بین باشگاه و فدراسیون تعاملی وجود ندارد این اتفاق رخ می‌دهد، پس در نتیجه هر دو در این قضیه مقصر هستند. وقتی هر کدام ساز خود را می‌زنند و فدراسیون یک چیزی می‌گوید، سازمان لیگ یک چیزی می‌گوید و باشگاه هم ساز خود را می‌زند خب معلوم است مشکلات فوتبال ما هیچ‌وقت حل نخواهد شد. متأسفانه عناد و دشمنی بین اینها زیاد است و خلا بزرگی بین آنها وجود دارد. عدم پشتیبانی از بسیاری از بازیکنان سازنده توسط فدراسیون یکی از دلایل اصلی این کمبود در فوتبال ایران است.

شما سال‌ها بازیکن پرسپولیس بودید. آن زمان‌ها هم خیلی در تیم‌های استقلال و پرسپولیس به تولید و سازندگی اهمیتی داده نمی‌شد و این دو تیم از همان اول از تولیدات دیگران استفاده می‌کردند.

کاملاً درست است اما در آن زمان به هر حال یک سری تیم‌ها مانند شاهین، راه‌آهن، بانک ملی، وحدت و خیلی تیم‌های دیگر وجود داشتند که فقط کارشان بازیکن‌سازی بود و بسیاری از همین بازیکنان بعداً تبدیل به ستاره‌های ایران بزرگی در فوتبال ایران شدند. کسی در فدراسیون الان برایش مهم است که این تیم‌های سازنده چه بلایی سرشان آمد و چند باشگاه بازیکن‌ساز منحل شده‌اند؟

تفتوت

نیمنا نکیسا، دروازه‌بان سابق تیم ملی ایران در گفت‌وگو بافرهیختگان مطرح کرد

دلال‌ها ستاره‌ها را می‌خورند

دلیل اصلی فقط عدم حمایت فدراسیون از این تیم‌ها بوده‌است؟
وقتی بازیکن خیلی راحت و از طریق دلال‌ها می‌تواند بسا پرداخت مبلغی نه‌چندان زیاد راهی تیم‌های بزرگ شود، دیگر به فکر این نیست که پله‌های ترقی را یکی‌یکی طی کند. اگر زمانی این تیم‌های سازنده ویتربن بازیکنان آینده‌دار بودند الان این دلالان هستند که وظیفه تغذیه تیم‌ها را برعهده گرفته‌اند. اما اگر تیم‌های سازنده همچنان به کار خود ادامه می‌دادند آیا دلیلی داشت که تیم‌ها از دلالان کمک بگیرند؟

همین دلالان هم عامل اصلی بالا رفتن قیمت‌بازیکنان هستند.

مشکل این نیست که بازیکنان قرارداد‌های قابل توجه ببینند، مشکل اینجاست که این همه هزینه در فوتبال جای هیچ گونه توجیهی ندارد و خروجی آن واقعا چه چیزی بوده‌است؟ مشکل اینجاست که واسطه‌ها در جذب بازیکنان نقش عمده‌ای دارند و بسیاری از بازیکنان بنجل و درجه هشت اروپایی و آفریقایی را وارد تیم‌های ما می‌کنند و فقط به فکر پرکردن جیب خود هستند. وقتی در تیم‌های ما چیزی به اسم کمیته فنی وجود نداشته باشد تا روی نقل و انتقال بازیکنان نظارت کند، عاقبتش همین می‌شود که واسطه‌ها بازیکنان بی‌کیفیت را وارد تیم می‌کنند تا جای یک‌سری بازیکن آینده‌دار گرفته شود. در بسیاری از کشورهای اروپایی بازیکنانی از آفریقا وجود دارند که با قراردادهایی که حداکثر به ۳۰۰ هزار دلار می‌رسد پاتری عملکرد را دارند اما در لیگ ما الان قرارداده‌ها به حدود یک میلیون دلار رسیده اما کیفیت‌ها قابل مقایسه نیست. همین تیم پرسپولیس را جذب همین بازیکنان درجه چهار و پنج خارجی بیچهارا کرده‌است که چیزی حدود صد میلیارد تومان هم بدهی روی دست این باشگاه گذاشته است که واقعا هیچ توجیه فنی ندارد.

همین عوامل هم مردم را فوتبال زده کرده‌است، نه؟

بحث اینجاست که همان معدود بازیکنانی که شاید بتوان اسم آنها را ستاره گذاشت هم آنقدر سریع ظهور می‌کنند و آنقدر سریع غروب می‌کنند که واقعا هواداران نمی‌توانند به آنها دل بخواهند کنند. شما ببینید بیشترین بی‌اخلاقی‌ها در بین بازیکنانی وجود دارد که از آنها به‌عنوان ستاره‌های حال حاضر فوتبال ما یاد می‌شود. وقتی بازیکن به جای تیم‌های پایه با پول وارد تیم می‌شود دیگر ستاره‌ای ساخته نخواهد شد.

شمین کمبود باعث شد تا کی‌روش هم دست به دامان بازیکنان دولتی‌تی مانند دژاگه و قوچان نزادشود. این حرکت اورا تا بی‌پدی‌می‌کنید؟

می‌دانید چرا، چون او هم فقط به کسب نتیجه فکر می‌کرد نه اینکه نسلی را وارد تیم ملی کند که بتواند سالیان سال به درد فوتبال ایران بخورد مثل همان کاری که مابلی‌کهن کرد. نمی‌شود کیفیت بازیکنانی مثل دژاگه یا قوچان نزاد را زیر سوال برد اما بسا ورود آنها چا برای بازیکنانی مانند انصاری‌فرد و خلعتبری تازگ شد تا همین معدود ستاره‌های حال حاضر هم فرصتی برای درخشش نداشته باشند. این گونه می‌شود که اعتبار لیگ هم زیر سوال می‌رود و مربی خیلی به همین معدود بازیکنان ساخته شده در لیگ هم توجهی ندارد. لیگی که به سال میلیون‌ها تومان در آن هزینه می‌شود بدون آنکه خروجی خاصی از آن دیده شود.

خروجی همه صحبت‌های شما به هزینه‌های گزاف‌های ختم می‌شود. مثل اینکه از این موضوع دل بی‌دارید نه؟

باور کنید فوتبال ما از زمانی رو به نابودی رفت که پول‌های گزاف بدون هیچ گونه توجیهی وارد آن شد، وقتی پای واسطه‌ها این‌گونه به فوتبال ما باز شد. الان دیگر بسیاری از مربیان نظر نهایی را برای جذب بازیکنان تیم‌شان نمی‌دهند و این دلال‌ها هستند که روزبه‌روز بیشتر از گذشته به فوتبال ما ضربه می‌زنند. دلایلمم قطعاً عامل اصلی عدم پرورش ستاره‌ها در فوتبال ماست، سالیان سال است که خبری از فوتبال جذاب بی‌کیفیتی منزجر شده‌اند. قطعاً همه اینها باعث می‌شود که مردم از فوتبال روی بگردانند و به سمت والیبال جذب شوند. والیبالی که سال‌هاست در آن کارهای زیربنایی انجام شده و حاصل آن همین موفقیت‌ها در سطح جهان و آسیاست.

